

یادداشت

برای انرژی پاک جایز کنید

سعید ساویز، **کارشناس نفت**

● نوسانات بازار نفت و سوخت‌های فسیلی زنگ خطری بود برای همه کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس که اگرچه از منابع عظیم نفت و گاز برخوردارند؛ اما به دلیل نیاز وافر به انرژی برق برای مصارف خانگی روزانه حجم زیادی سوخت برای راه‌اندازی نیروگاه‌های برق با سوخت فسیلی مصرف می‌کنند. از سوی دیگر اندیشه باقی‌ماندن به‌عنوان یک صادرکننده اصلی انرژی حتی در صورت کمرنگ‌شدن سهم سوخت‌های فسیلی در سبد انرژی جهانی باعث شده است که شیخ سرزمین‌های جنوبی شاخاب پارس یکی پس از دیگری به فکر سرمایه‌گذاری و ایجاد زیرساخت‌هایی برای بهره‌برداری از انرژی‌های ارزان و پاک باشند. انرژی خورشیدی، انرژی باد، انرژی کثیف یا همان تولید انرژی از سوزاندن زباله، انرژی تولیدشده حاصل از جرزومد دریا و امواج و همچنین انرژی به‌دست‌آمده از فشوری آب دریا امروزه از متداول‌ترین شکل‌های تولید انرژی در جهان هستند؛ اما در راستای استفاده از انرژی‌های نو کشورهای حوزه خلیج فارس نظیر امارات، عمان و کویت پروژه‌های تبدیل انرژی از زباله را به طور جدی در پیش گرفته‌اند. عمان درحال حاضر با سرمایه‌گذاری ۶۰۰ الی ۷۰۰ میلیون دلاری برنامه نمک‌زدایی آب دریا با ظرفیت یک میلیون تن در سال را با انرژی به‌دست‌آمده از تبدیل بخشی از مقادیر عظیم زباله‌های شهری در پیش گرفته است. دولت کویت برای تقویت منابع انرژی خورشیدی خود بودجه‌های کلانی را اختصاص داده و براساس جدیدترین تصمیم اتخاذشده همه مراکز دولتی در کویت به دستگاه‌های جذب انرژی خورشیدی مجهز خواهند شد. کویت همچنین در زمینه تولید انرژی تجدیدپذیر اقدامات گسترده‌ای را به عمل آورده و بنا بر اعلام نهادهای دولتی، این کشور در سال‌های آینده طرح‌های کلانی را در این بخش به اجرا خواهد گذاشت. همچنین کشور کویت در تلاش برای محقق‌کردن پروژه‌های انرژی پاک، تبدیل ۵۰ درصد از زباله‌های شهری به انرژی الکتریکی را در پیش گرفته است. به نوشته نشریه الانبیا، وزارت آب و برق کویت قصد دارد که خودکفایی این کشور در زمینه تولید برق را افزایش دهد تا از حجم سوخت کمتر در نیروگاه‌های برق استفاده شود. به نقل از پایگاه اینترنتی ترد عربی، یکی از بزرگ‌ارکنندگان نمایشگاه تجاری انرژی که در ریاض برپا شد، عربستان سعودی برنامه سرمایه‌گذاری ۱۰۹ میلیارددلاری برای تولید ۴۱ گیگاوات برقی از انرژی خورشید تا سال ۲۰۳۲ را در سر دارد که به طور تقریبی ۳۰ درصد از نیاز انرژی کلی این کشور در آن زمان را تأمین می‌کند. براساس این، در دو دهه آینده دولت برنامه ایجاد دو پروژه تولید انرژی را در بر روی سلول‌های خورشیدی با ظرفیت ۱۶ گیگاوات به اجرا خواهد گذاشت. علاوه‌براین، عربستان به پروژه‌های تولید انرژی کمک می‌کند که می‌تواند استفاده از انرژی با ظرفیت ۲۶ گیگاوات را متمرکز کند. همه این خلاقیات می‌تواند عربستان به را بزرگ‌ترین تولیدکننده انرژی خورشیدی جهان تبدیل کند. امارات متحده عربی ۱۹۲ میلیارد دلار با مصرف انرژی سبز دارد ۱۵۰ میلیارد دلار را در بخش انرژی تجدیدپذیر تا سال ۲۰۵۰ سرمایه‌گذاری کند. دویی همچنین با ارائه طرح پیشنهادی قصد تبدیل‌شدن به بزرگ‌ترین نیروگاه تبدیل زباله به انرژی خاورمیانه را تا سال ۲۰۲۰ دارد. از مهم‌ترین مزیت‌های انرژی‌های پاک، تولید CO2 کمتر، تولیدنشدن گوگرد، قابلیت انتقال بدون ایجاد آلودگی و به ارزان بودن آنها می‌توان اشاره کرد؛ اما در کشور ما علاوه بر تورین‌های بادی نصب‌شده در منجیل و اقدامات صورت‌گرفته در مغان برای استفاده از انرژی زمین‌گرمایی اقدامات چندانی در راستای استفاده از انرژی پاک صورت نگرفته‌اند. کشور ایران به لحاظ وجود بیابان‌های وسیع همچنین به دلیل وجود خلیج فارس در جنوب و دریاچه خزر در شمال امکان تولید انرژی خورشیدی، بادی و تولید انرژی از امواج دریا در شمال و جنوب و شرایط تولید انرژی از زباله در همه کلان‌شهرها را دارد؛ اما در آستانه سال اقتصاد مقاومتی، تولید و اشتغال یا به توج به مشکلات زیست‌محیطی که این روزها دام‌نگیر نقاط مختلف وکلان‌شهرهای کشور ما شده است، شاید زمان آن رسیده است که در گامون توجهات توسعه انرژی سوخت‌های فسیلی اندکی جا برای انرژی‌های پاک باز کنند.

گنر

کره‌های

سرگرم ساخت شاسی بلند برقی

● ایسنا: شرکت هیوندای موتور کره جنوبی سرگرم طراحی نخستین پل‌فرم ویژه خودروهای برقی است و سال آینده اولین شاسی‌بلند برقی خود را عرضه می‌کند.
لی کی سانگ، مسئول بخش خودروهای سبز هیوندای و کیا، اظهار کرد است درحالی‌که طراحی این پل‌فرم به زودی کامل نخواهد شد، هیوندای موتور و شرکت تابعا‌اش، کیا، قصد دارند سال آینده شاسی‌بلندهای برقی کوچکی را بر مبنای پل‌فرم‌های کنونی عرضه کنند.
سال آینده هیوندای یک شاسی‌بلند برقی عرضه خواهد کرد و پس از آن کیا هم یک مدل مشابه عرضه می‌کند.
به گفته وی، مدل‌های ساب‌کامپکت یا کامپکت با هر بار شارژ می‌توانند بیش از ۳۰۰ کیلومتر را طی کنند.

ادامه از صفحه ۵

در سال‌های اخیر نه‌تنها برای هزینه‌ها و طرح‌های عمرانی، بلکه حتی برای پوشش هزینه‌های جاری نیز اوراق منتشر می‌شود. مثل همان بحث خرید کندم که به آن اشاره شد یا بحث مربوط به طرح سلامت و پرداخت دهی به بیمارستان‌ها. این نحوه تأمین مالی از طریق فروش اوراق می‌تواند تأثیرات نامطلوبی در اقتصاد کشور از خود بر جای بگذارد؛ البته ممکن است گفته شود ژاپن نیز اوراق منتشر می‌کند و بخش مهمی از مخارج دولت در این کشور، مبتنی بر ایجاد دهی است. در آمریکا و کشورهای دیگر هم این چنین است؛ دقت کنیم در این کشورها شاهد نرخ‌های سود بسیار پایین هستیم و هزینه‌ها به‌شدت کنترل می‌شود. اگر نرخ سود در این کشورها حتی سه درصد هم باشد، بیش از ۲۰ سال طول می‌کشد که دهی دو برابر شود؛ البته نرخ‌های سود در این کشورها، در عمل زیر یک درصد است. برعکس در ایران نرخ بهره بسیار بالاست و برای مثال نرخ بهره درباره همین اوراقی که در حیطه بهداشت و درمان منتشر می‌شود، با هزینه‌های کارمزد در حدود ۲۵ درصد است و به این ترتیب در مدت کوتاهی حجم انبوهی از بدهی‌ها برای دولت به بار می‌آورد. این بدهی‌ها در سه سال می‌تواند حتی دو برابر شود. با توجه به وضعیتی که برای بازار نفت و سایر درآمدهای دولت پیش‌بینی می‌شود، این مسئله حتما می‌تواند پایدار مالی دولت را به خطر بینازد. نکته دیگری که به همین موضوع بازمی‌گردد، به اثر اختلال‌زایی برمی‌گردد. به این ترتیب که سیاست مالی دولت با سیاست پولی آن، تعارض پیدا می‌کند. دولت از یک سمت می‌گوید نرخ سود بانکی باید کاهش پیدا کند؛ اما از سمت دیگر در بازار مالی شاهد ورود دولت و فروش اوراق با نرخ بالا هستیم. حال نظام بانکی واقعا باید چه کار کند؟

۴ اما یکی از عوامل همین سود بالا، بانک‌ها هستند؛ دلیل این سود بالا در بانک‌ها را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ البته عده‌ای هم صحبت از مافیا را به میان می‌آورند. نظر شما چیست؟

برخی از بانک‌ها درحال‌حاضر با موضوع «اعسار» و «ورشکستگی» مواجه هستند. بانک‌ها حاضرند با هر نرخ سودی سرمایه جذب کنند و این‌گونه خودشان را از بحران ورشکستگی نجات دهند. حال فرض کنیم می‌خواهیم نرخ‌ها را کاهش دهیم؛ یا این فرض که بحرانی وجود ندارد و مافیایی هم در کار نیست، از یک سو دولت برای خرید اوراق، سود ۲۵ درصد را تعیین کرده است و از سوی دیگر می‌گوید نرخ سود بانکی ۱۸ درصد باید باشد؛ باید پرسید سپرده‌گذار کدام‌ک را انتخاب می‌کند؟ ۱۸ درصد سود بانک یا ۲۵ درصد سود اوراق را؟ پس بانک‌ها ترجیح می‌شوند که برای جلوگیری از خروج پول از بانک، نرخ سود خود را بالا نگه دارند.

آیا تاکنون بررسی شده است که منابع خرید اوراق دولتی از کجا تأمین می‌شود؟ در نهایت همین بانک‌ها با واسطه یا بی‌واسطه اوراق را خریداری می‌کنند؛ بنابراین عملا اینجا اشکال سومی پیش می‌آید، اشکال اول بازمی‌گشت به تهدید پایداری مالی دولت، اشکال دوم تعارض سیاست پولی و پولی میانی بود. این اشکال سوم است که مطرح می‌شود و آن این است که منابعی که باید توسط بخش خصوصی در پروژه‌های سرمایه‌گذاری وارد شوند، وارد جیب دولت می‌شوند و عملا دولت جایگزین بخش خصوصی می‌شود که نتیجه آن بزرگ‌ترشدن دولت از این طریق است. **۴ مسئله دیگری که در بودجه سال ۹۶ مد نظر است نرخ تعیین‌شده دلار است. در بودجه سال ۹۶، نرخ دلار سه‌هزارو ۲۰۰ تومان در نظر گرفته شده، این در حالی است که اکنون شاهد دلار سه‌هزارو ۷۰۰ تومانی در بازار هستیم. آیا مازاد درآمد حاصله بازهم در بودجه هزینه می‌شود یا خیر؟**

در مجموعه اصلاحاتی که کمسیون تلفیق بودجه ۱۳۹۶ انجام داده، معادل ریالی درآمد نفتی به‌گونه‌ای پیش‌بینی شده است که برای محقق‌شدن آن منابع، یا قیمت نفت باید بیش از ۵۵ دلار مقروض باشد یا مقدار صادرات بیش از مقدار مبنای محاسبات بودجه‌ای شود یا قیمت ارز بیشتر از سه‌هزارو ۳۰۰ تومان باشد. در عمل منابع پیش‌بینی‌شده از نفت با قیمت ارز محقق خواهد شد که نزدیک به همین نرخ بازار است. **۴ اجازه دهید بحث مالیات در بودجه ۹۶ را نیز بررسی کنیم؛ براساس بودجه سال ۹۶ شاهد افزایش ۲۰ درصدی درآمدهای مالیاتی دولت هستیم، این افزایش‌ها بر چه اساسی بوده؟ آیا این میزان افزایش بر سطح معیشت مردم و رشد اقتصادی کشور تأثیر سوء، نخواهد داشت؟**

نسبت به سنوات قبل رشد بیش‌بینی‌شده برای درآمدهای مالیاتی، متفاوت‌تر بوده است. همین ۲۰ درصد افزایش مالیاتی که وضع شده، سال قبل ۳۵ درصد بود. اما مسئله‌ای که بالاخره مهم تلقی می‌شود این است که ترکیب مالیات در ایران مشمول تغییراتی شده است. مالیات بر ارزش‌افزوده بیشترین سهم را در درآمدهای مالیاتی دولت دارد. قانون مالیات بر ارزش‌افزوده یکی از قوانین واقعا مورد نیاز کشور بود که اگر به درستی اجرایی می‌شد و در ابتدا زیرساخت‌های آن فراهم می‌شد و نرخ آن هم در ادامه افزایش می‌یافت، می‌توانست کمک بزرگی به اقتصاد ایران و دولت کند. به‌ویژه با کمک به رسمی‌شدن بخش بزرگی از اقتصاد و خارج‌شدن آن از حالت زیرزمینی. متأسفانه زیرساخت‌های اجرای قانون فراهم نبود. به‌عنوان مثال باید همه فعالان اقتصادی دارای صندوق‌های مکانیزه فروش باشند. همچنین سیاست‌های ارزی و تجاری یعنی تعیین نرخ تعرفه باید به خدمت گرفته می‌شد تا منجر به مبارزه جدی با قاچاق شود. این زیرساخت‌ها

اقتصاد

معجزه با ارز



عکس پایگاه اطلاع‌رسانی مقام معظم رهبری

وجود نداشت. در ادامه و در عمل چه رخ داد؟ طبق این قانون، تولیدکنندگان حتی یک ریال هم نباید مالیات پرداخت می‌کردند و مصرف‌کننده نهایی باید این مالیات را می‌پرداخت. فرق مالیات بر ارزش‌افزوده و مالیات بر مصرف این بود که مالیات بر ارزش‌افزوده موجب شفاف‌شدن فعالیت اقتصادی در حلقه‌های مختلف تولید و مصرف در کشور می‌شد. آن هم بدون اینکه فشار مالیاتی را بر تولیدکنندگان افزایش دهد. اما در عمل به جهت فراهم‌نبودن زیرساخت‌ها و همچنین به دلیل نگاه صرف درآمدی از سوی دولت‌ها به این منبع، عملا نرخ سه‌درصدی به ۹ درصد افزایش یافت و به پرداخت‌کنندگان فشار وارد شد. آن زیرساخت‌ها هم فراهم نبود، بعضا مالیات‌های مضاعفی اخذ شد که بخشی از این مالیات‌ها متأسفانه از تولیدکنندگان گرفته شد.

اما این حرف‌ها چه ارتباطی با بودجه ۹۶ پیدا می‌کند؟ ریشه این است که اعتراضات خیلی زیادی درباره نحوه اجرای این قانون وجود داشت. نمایندگان در مجلس بودجه سال ۹۶ با این مباحث واکنش نشان دادند و بندی در این مورد تصویب شد که عملا هم می‌توانست درآمد مالیاتی را تحت‌الشعاع قرار دهد و یکباره کسری منابعی از این جهت به دولت تحمیل کند، همچنین اساس مالیات بر ارزش‌افزوده را زیر سؤال ببرد. چراکه گفته شده صرفا در حلقه آخر مصرف حق اخذ مالیات وجود دارد. خوشبختانه در ادامه این مباحث اصلاحاتی در مصوبه کمیسون تلفیق برای کمک به دولت انجام شد اما دولت نباید فراموش کند که هرچه سریع‌تر لایحه جدید مالیات بر ارزش‌افزوده را به مجلس شورای اسلامی تقدیم کند تا در کنار لایحه صندوق‌های مکانیزه فروش از سوی مجلس بررسی و تصویب شود.

۴ سخنگوی دولت دلایل افزایش مالیات را نگاه به اقتصاد مقاومتی ارزیابی کرده است. آیا اقتصاد مقاومتی چنین پتانسیلی دارد که مالیات‌ها را این‌گونه افزایش دهد؟

ما یک بار می‌توانیم یک‌بار نظفای داشته باشیم و هر ردیف بودجه‌ای را به یک سیاست خاص ربط دهیم. یک بار دیگر هم می‌توانیم نگاه سیستمی داشته باشیم. سیاست اقتصاد مقاومتی چند بخش دارد. برای بخش کاهش وابستگی به نفت چه پاسخی بدارند؟ وابستگی به نفت، حداقل ۱۰ درصد افزایش پیدا کرده است. این مسئله را چگونه تبیین می‌کنند؟ نمی‌توان تغییرات یک ردیف را به یک سیاست ربط داد و تغییرات ردیف‌های دیگر را نادیده گرفت.

در مجموع اصلاحاتی که کمسیون تلفیق بودجه ۱۳۹۶ انجام داده، معادل ریالی درآمد نفتی به‌گونه‌ای پیش‌بینی شده است که برای محقق‌شدن آن منابع، یا قیمت نفت باید بیش از ۵۵ دلار مقروض باشد یا مقدار صادرات بیش از مقدار مبنای محاسبات بودجه‌ای شود یا قیمت ارز بیشتر از سه‌هزارو ۳۰۰ تومان باشد. در عمل منابع پیش‌بینی‌شده از نفت با قیمت ارز محقق خواهد شد که نزدیک به همین نرخ بازار است.

۴ اجازه دهید بحث مالیات در بودجه ۹۶ را نیز بررسی کنیم؛ براساس بودجه سال ۹۶ شاهد افزایش ۲۰ درصدی درآمدهای مالیاتی دولت هستیم، این افزایش‌ها بر چه اساسی بوده؟ آیا این میزان افزایش بر سطح معیشت مردم و رشد اقتصادی کشور تأثیر سوء، نخواهد داشت؟

نسبت به سنوات قبل رشد بیش‌بینی‌شده برای درآمدهای مالیاتی، متفاوت‌تر بوده است. همین ۲۰ درصد افزایش مالیاتی که وضع شده، سال قبل ۳۵ درصد بود. اما مسئله‌ای که بالاخره مهم تلقی می‌شود این است که ترکیب مالیات در ایران مشمول تغییراتی شده است. مالیات بر ارزش‌افزوده بیشترین سهم را در درآمدهای مالیاتی دولت دارد. قانون مالیات بر ارزش‌افزوده یکی از قوانین واقعا مورد نیاز کشور بود که اگر به درستی اجرایی می‌شد و در ابتدا زیرساخت‌های آن فراهم می‌شد و نرخ آن هم در ادامه افزایش می‌یافت، می‌توانست کمک بزرگی به اقتصاد ایران و دولت کند. به‌ویژه با کمک به رسمی‌شدن بخش بزرگی از اقتصاد و خارج‌شدن آن از حالت زیرزمینی. متأسفانه زیرساخت‌های اجرای قانون فراهم نبود. به‌عنوان مثال باید همه فعالان اقتصادی دارای صندوق‌های مکانیزه فروش باشند. همچنین سیاست‌های ارزی و تجاری یعنی تعیین نرخ تعرفه باید به خدمت گرفته می‌شد تا منجر به مبارزه جدی با قاچاق شود. این زیرساخت‌ها وجود نداشت. در ادامه و در عمل چه رخ داد؟ طبق این قانون، تولیدکنندگان حتی یک ریال هم نباید مالیات پرداخت می‌کردند و مصرف‌کننده نهایی باید این مالیات را می‌پرداخت. فرق مالیات بر ارزش‌افزوده و مالیات بر مصرف این بود که مالیات بر ارزش‌افزوده موجب شفاف‌شدن فعالیت اقتصادی در حلقه‌های مختلف تولید و مصرف در کشور می‌شد. آن هم بدون اینکه فشار مالیاتی را بر تولیدکنندگان افزایش دهد. اما در عمل به جهت فراهم‌نبودن زیرساخت‌ها و همچنین به دلیل نگاه صرف درآمدی از سوی دولت‌ها به این منبع، عملا نرخ سه‌درصدی به ۹ درصد افزایش یافت و به پرداخت‌کنندگان فشار وارد شد. آن زیرساخت‌ها هم فراهم نبود، بعضا مالیات‌های مضاعفی اخذ شد که بخشی از این مالیات‌ها متأسفانه از تولیدکنندگان گرفته شد.

مرتبط می‌کند. صراحتا می‌گوییم که مبحث بودجه‌ریزی مبتنی بر عملکرد، یک بحث لوکس برای بودجه‌ریزی در ایران محسوب می‌شود و عهده مشکلات بودجه‌ریزی ما را به هیچ‌وجه حل نمی‌کند. باید تعارف را کنار بگذاریم. طرح ناقص این مفاهیم وقت کشور را تلف کرد. مثل این است که به شرکت ایران‌خودرو بگوییم که بنز تولید کند. در نهایت این شرکت روی همان تولیدات خودش آرم بنز بچسباند؛ ما در بودجه‌ریزی کشور چنین کاری انجام داده‌ایم.

هرچند همکاران سازمان برنامه و بودجه ممکن است ناراحت شوند، اما ای کاش انرژی سازمان صرف تهیه بودجه‌ای می‌شد که می‌توانستیم تا پایان سال به انجام آن متعهدیم. نه اینکه در اول سال بگوییم ۵۰ هزار میلیارد تومان بودجه عمرانی می‌دهیم اما آخرش هم حتی ۵۰ درصد آن پرداخت نشود یا به دستگاه‌ها بگوییم برنامه بدهید و بعد از آن عملکرد و نتیجه برنامه‌ها به هیچ‌وجه قابل پیگیری نباشد. این نوع نگاه به نظر من هیچ نوع فایده‌ای برای کشور ندارد و نمی‌تواند مشکلات کشور را در حوزه مالیّه عمومی که بسیاری از آنها ارتباطی با بودجه‌ریزی بر مبنای عملکرد ندارد، حل کند. متأسفانه طوری بحث مطرح شد که انگار بودجه‌ریزی مبتنی بر عملکرد اکسیر همه مشکلات بودجه‌ریزی است و درباره همه دستگاه‌های اجرایی کشور کاربرد دارد.

۴ آیا اتفاق افتاده که موقع بررسی لایحه بودجه ردیف بودجه‌ای را ببینید که برای سازمان یا نهاد خاصی در نظر گرفته شده که بیش از اندازه به آن نهاد توجه شده باشد و در این مورد خاص حال ناخوشی به شما دست داده باشد؟

اجازه بدهید صریح صحبت کنیم. اتفاقی که دامنگیر ایران شده بزرگ‌بودن دولت است. به‌همین‌دلیل وقتی در کوچه و خیابان‌ها قدم می‌گذاریم، مدام تابلوهای دولتی می‌بینیم. به‌عنوان مثال در حوزه فرهنگ می‌توانیم فعالان فراوانی را در کشور بشناسیم یا حتی در حوزه آموزش. اتفاقی که در این میان رخ داده، این است که از همان اوایل دهه ۵۰، رویکرد دولت در ارائه کالا و خدمات عمومی، رویکرد عرضه‌محوری بوده است. یعنی به مدد پول نفت، وظیفه‌ای برای دولت تعیین می‌شده و برای انجام این وظیفه، طبیعتا در سیستم بوروکراسی و اداری کشور واحدی تأسیس شده است. یعنی برای اجرای این قانون احتیاج به نظامی اداری بوده است. این نظام اداری به مدد پول نفت تا حدی در نظام کشور حضور پیدا کرده و گسترش فراوانی هم داشته است. این موجب شده که یک نظام اداری فربه در کشور درست شود. همه اینها احتیاج به منابع عمومی دارند. بعد از انقلاب ما با پدیده‌ای اضافی هم روبه‌رو شدیم. در دوران قبل از انقلاب، مجلس عملا نقشی در بودجه‌ریزی نداشت. بعد از انقلاب به مجلس در رأس قرار گرفت و نمایندگان انتخاب شدند و آنها با این نظام انتخاباتی تبدیل شدند به «بیان‌کنندگان خواسته‌های محلی». به دلیل عدم توازن‌ی که بین استان‌های کشور موجود بود، حجم عظیم تفاوتی که در امکانات عمومی، دسترسی به راه، گاز، آب، برق و... وجود داشت، یکباره حجم بزرگی از این خواسته‌ها وارد نظام تصمیم‌گیری شد. نمایندگان مجلسی که قبل از انقلاب تماشاجی مسئله بودجه بودند، این بار تصمیم‌گیرنده بودجه شدند. از سویی سازوکار می برای هماهنگی این خواست‌ها با خواسته‌های ملی و ظرفیت‌های کشور وجود نداشت. به عبارت دیگر عملا قبل از انقلاب یک سازمان برنامه و بودجه بود و همه کشور، اما بعد از انقلاب طبق قانون اساسی مجلس به سطوح اصلی تصمیم‌گیری اضافه شد. بنابراین هم محدوده وظایف دولت به شدت گسترش پیدا کرد و هم اینکه عملا همه آن منابع حاصله از نفت و گاز و... سرایز نظام اداری شد.

۴ یعنی در رأس امور قرار گرفتن مجلس، برای بودجه‌ریزی ایجاد مشکل کرد؟

نه، نظام بودجه‌ریزی مناسبی که در آن هم مجلس در رأس امور باشد و هم تصمیم‌هایش در حدود ظرفیت کشور باشد، شکل نگرفت. ببینید؛ مجلس در رأس امور می‌توانست باشد. اما باید سازوکاری جهت هماهنگی خواسته‌های محلی با خواسته‌های ملی و ظرفیت کشور طراحی شد. مثلا قانون بودجه‌ریزی کشور، چنین کاری را انجام می‌داد که همان‌طور که عرض شد، قانون بودجه‌ریزی مربوط به سال ۵۱ است؛ یا اینکه سازمان برنامه و بودجه باید مأموریت‌هایش را به‌روز می‌کرد ولی متأسفانه سازوکار بودجه‌ریزی خود را با فضای قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تطبیق ندهاد است. به این ترتیب فضای بودجه‌ریزی مربوط به دهه ۴۰ و ۵۰ است درحالی‌که اختیارات قوا مربوط به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است. در نتیجه این همه منابع هزینه می‌شود اما هنوز همه شهرها خواهان بهترین فرودگاه، بهترین دانشگاه و بهترین‌های دیگرند. ولی آیا کشور توانایی تأمین این منابع و انجام درست (اقتصادی) این کارها را دارد؟ نتیجه آن‌دادن قانون به تصویب پیامد، منتها در عمل در ایران متأسفانه این مفهوم درست مطرح نشد. جالب و عجیب است که هشت سال طول کشید تا فهم شود نباید از لفظ «بودجه‌ریزی عملیاتی» استفاده شود و باید بگوییم «بودجه‌ریزی مبتنی بر عملکرد» چراکه بودجه‌ریزی عملیاتی مطلبی است که در شرکت‌های بازرگانی کاربرد دارد. برای خوانندگان شما این قسمت باید مورد توجه قرار بگیرد که معنای این شیهه در بودجه‌ریزی چیست؟ در این بودجه‌ریزی وقتی منابعی به دستگاه‌ها در جهت آموزش و بهداشت و... ارائه می‌شود، باید مشخص باشد که نتیجه هزینه‌کردن منابع چیست. در حقیقت بودجه‌ریزی مبتنی بر عملکرد، برنامه سالانه را با منابع تخصیص‌یافته در جهت دستیابی به اهداف تعیین‌شده،

از قبل از برنامه چهارم این موضوع مطرح شد اما در برنامه پانجم به صراحت این موضوع به صورت قانون به تصویب رسید. منتها در عمل در ایران متأسفانه این مفهوم درست مطرح نشد. جالب و عجیب است که هشت سال طول کشید تا فهم شود نباید از لفظ «بودجه‌ریزی عملیاتی» استفاده شود و باید بگوییم «بودجه‌ریزی مبتنی بر عملکرد» چراکه بودجه‌ریزی عملیاتی مطلبی است که در شرکت‌های بازرگانی کاربرد دارد. برای خوانندگان شما این قسمت باید مورد توجه قرار بگیرد که معنای این شیهه در بودجه‌ریزی چیست؟ در این بودجه‌ریزی وقتی منابعی به دستگاه‌ها در جهت آموزش و بهداشت و... ارائه می‌شود، باید مشخص باشد که نتیجه هزینه‌کردن منابع چیست. در حقیقت بودجه‌ریزی مبتنی بر عملکرد، برنامه سالانه را با منابع تخصیص‌یافته در جهت دستیابی به اهداف تعیین‌شده، تک‌اوم خدمت‌رسانی دولت دچار مشکل شود.

خبر

وزیر راه و شهرسازی:

بیش از ۲۰۵ میلیون واحد خالی در کشور داریم

● وزیر راه و شهرسازی با اشاره به معضل خانه‌های خالی در سراسر کشور گفت: بر اساس آمار دومیلیون و ۵۸۷ هزار واحد مسکونی خالی در کشور داریم و خانه‌های خالی بیشتر برای سوداگری و تجارت ساخته می‌شوند. به گزارش پایگاه خبری وزارت راه و شهرسازی «عباس آخوندی» در نشست مشترک با اعضای کمیسیون عمران مجلس شورای اسلامی افزود: براساس آمار در سال‌های ۹۰، ۹۵ و به‌ترتیب ۶۳۰ هزار، یک‌میلیون و ۶۶۰ هزار و دومیلیون و ۵۸۷ هزار واحد خالی در کشور گزارش شده است. وزیر راه و شهرسازی با تأکید بر اینکه این ارقام واقعا عجیب است، افزود: اگر هر واحد مسکونی را صد هزار دلار در نظر بگیریم، مفهومش این است که ۲۵۰ میلیارد دلار سرمایه با بهره‌وری صفر وجود دارد. وی ادامه داد: واقعیت این است که روند موجود، روند سختی است و ادامه این وضعیت به صلاح نیست و از کمیسون عمران مجلس می‌خواهیم به این موضوع توجه ویژه‌ای داشته باشند. آخوندی اظهار کرد: تنها در تهران سه‌میلیون و ۹۰۰ هزار واحد مسکونی وجود دارد به این معنا که چیزی حدود ۱۳ میلیون نفر می‌توانند در پایتخت، زندگی کنند این در شرایطی است که جمعیت تهران ۸،۶ میلیون نفر است و تعداد زیادی نیز در تهران در شرایط بدمسکنی مطلق زندگی می‌کنند. عضو کابینه دولت تدبیر و امید ادامه داد: براساس آخرین آمار منتشرشده از مرکز آمار ایران در تهران ۴۹۰ هزار واحد مسکونی خالی وجود دارد. درحالی‌که در آمار سال ۹۰، این میزان ۳۲۲ هزار واحد مسکونی بوده است. وی افزود: آمار ساخت‌وسازها، خانه‌های خالی و مسئله بدمسکنی نشان می‌دهد مشکلات جدی در انضباط شهری وجود دارد. اگر تمامی ساخت‌وسازها برای اسکان بودند، مایه خوشحالی بود اما باید به این نکته توجه کنیم که این میزان خانه خالی بیشتر برای سوداگری و تجارت ساخته شده است. آخوندی تصریح کرد: درحال‌حاضر شاهدیم که بدمسکنی با چه رفتاری‌هایی برای مردم در سطح شهر وجود دارد و از سوی دیگر شاهد تولید واحد‌های در کلان‌شهر تهران و سایر شهرها هستیم که به شکل عمده با هدف تجاری و غیرسکونتی ایجاد شده‌اند که در دو جهت کاملا متضاد در حرکت هستند که باید هرچه زودتر به اتمام برسند. وزیر راه و شهرسازی تأکید کرد: باید توانیم در برابر ضابطه‌فروشی و شهرفروشی باسیستم نمی‌توانیم در این مورد تعارف کنیم. وی گفت: در حوزه شهرسازی در این زمینه یعنی ایستادن در برابر ضابطه‌فروشی، کام برداشتیم که تا حدودی موفقیت‌هایی کسب شد اما هنوز، موفقیت‌ها به دلیل مقاومت‌های بسیار شدیدی که در جامعه و در شهرداری‌ها وجود دارد، کامل نیستند. وزیر راه و شهرسازی گفت: روزانه بین ۵۰۰ تا ۶۰۰ نفر در بانک مسکن پس‌انداز دارند که امیدواریم سال ۹۶ از رکود در بخش مسکن خارج شویم و متقاضی واقعی مسکن و نه دلال، تاجر و سوداگر داشته باشیم. آخوندی با بیان اینکه ۱۲۶ هزار نفر در صندوق تسهیلات مسکن پس‌انداز کرده‌اند، گفت: در سال ۱۳۹۶، ۱۲۶ هزار نفر متقاضی واقعی در بازار داریم. وزیر راه و شهرسازی ادامه داد: در حوزه مسکن عمده توجه ما به مسکن مهر بود که مراحل پایانی را طی می‌کند و واگذاری‌های آن در حال انجام است. بحث تسهیلات و توانمندکردن افراد را نیز در دستور کار داریم.

آغاز به‌کار سامانه سهام عدالت از امروز

● ایسنا: سامانه سهام عدالت که از ۳۰ اسفند گذشته از دسترس خارج شده بود، از ۱۴ فروردین دوباره شروع به کار خواهد کرد و مشمولان می‌توانند حساب خود را با استفاده از این سامانه چک کنند. در ساه پایانی اسفند حدود ۵۰ میلیون فردی که ثبت‌نامشان در سهام عدالت قطعی شده بود، از طریق سایت www.samanesir.ir به حساب سهام عدالت خود دسترسی پیدا کردند. طبق اطلاعاتی که سازمان خصوصی‌سازی اعلام کرده و با توجه به مندرجاتی که در سامانه اطلاع‌رسانی سهام عدالت درج شده، این سازمان از ۶۰ شرکت سرمایه‌پذیر بابت سود ۱۰ سال گذشته این شرکت‌ها به‌ازای هر شمول سهام عدالت ۵۳۲ هزار تومان به حساب خزانه واریز کرده است. آن‌طور که مسئولان سازمان خصوصی‌سازی اعلام کرده‌اند، مشمولان سهام عدالت می‌توانند این مبلغ را تا سقف یک میلیون تومان پر کنند تا در زمان آزادسازی سهام عدالت ارزش سهامشان حدود دو برابر این مبلغ باشد. البته برای افرادی که تمایلی به واریز مبلغ ندارند، الزامی وجود ندارد که پولی پرداخت کنند و ارزش بازار سهام عدالت آنها نیز در زمان آزادسازی دو برابر خواهد شد. سازمان خصوصی‌سازی به‌تازگی اعلام کرده بیش از دو میلیون نفر از مشمولان سهام عدالت برای پرداخت اقساط خود و تملک سهام عدالت از طریق حساب‌های بانک ملی تا پایان اسفندماه گذشته اعلام آمادگی کرده‌اند و پرداخت‌هایی انجام داده‌اند. البته سازمان خصوصی‌سازی اعلام نکرده مجموع مبالغ واریزی دقیقا چه مقدار بوده است. سامانه سهام عدالت از ۳۰ اسفند گذشته تا دیروز به‌طور موقت از دسترس خارج بود و مشمولان از ۱۴ فروردین می‌توانند به حساب به‌روزشده خود در این سامانه دسترسی داشته باشند.